

بررسی عوامل برانگیزنده تمایل به ثبت وقایع جمعیتی در استان کردستان^۱

سعید خانی*، قربان حسینی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۹)

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی عوامل برانگیزنده تمایل به ثبت وقایع جمعیتی در استان کردستان است. چارچوب و مدل نظری بر اساس نظریه‌های رفتار برنامه‌ریزی‌شده و کنش منطقی، تدوین شد. پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه ساخت‌یافته، در سال ۱۳۹۷ انجام شد. اطلاعات پژوهش در شهرهای سنندج، بانه و کامیاران، از ۳۶۶ نفر از سرپرستان خانوار جمع‌آوری گردید. نمونه‌ها با ترکیبی از روش‌های مختلف انتخاب شدند و اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در جامعه مورد بررسی، تمایل به ثبت وقایع جمعیتی، و نیز درک از دسترس‌ی به مراکز و امکانات ثبت، آگاهی از قوانین، و درک از هنجارهای ثبت، در بین شهروندان نسبتاً بالاست. تحلیل چندمتغیره نشان می‌دهد که علاوه بر متغیرهای جمعیتی، به‌ترتیب، سه شاخص آگاهی از قوانین ثبت وقایع، نگرش به ثبت، و درک از هنجار ثبت، در مدل معنادار هستند و همراه با سایر متغیرها، ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. نتیجه سیاستی مقاله، ضرورت کار فرهنگی و اطلاع‌رسانی دولت و سایر سازمان‌های دخیل در زمینه ثبت رویدادها و ارائه اطلاعات به‌موقع، تلاش در جهت ارتقای درک شهروندان از هنجارهای ثبت، و تلاش در جهت ایجاد نگرش مثبت به ثبت وقایع می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ثبت معوقه، تمایل به ثبت، وقایع جمعیتی، سیاست‌گذاری، استان کردستان.

۱. مقاله حاضر، بخشی از نتایج یک طرح تحقیقاتی با عنوان «واکای علل و انگیزه‌های دیرثیتی و کم‌ثبتی آمارهای جمعیتی در استان کردستان» است که با حمایت اداره کل ثبت احوال استان کردستان در سال ۱۳۹۷ با شماره قرارداد ۲۶/۱/۱۲۷۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۵ به‌انجام رسیده است.

* استادیار جمعیت‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول).

E.mail: s.khani@uok.ac.ir

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و پژوهشگر مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

E.mail: ghorban.hosseni@gmail.com

مقدمه

در عصر فناوری اطلاعات و گسترش روزافزون علم و رشد سریع تکنولوژی در جهان، توجه ویژه به جایگاه اطلاعات صحیح و به‌هنگام برای توسعه همه‌جانبه و پایدار در کشور، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو، تولید و انتشار آمار و اطلاعات دقیق و به‌روز، در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان و سیاست‌گذاری‌های کشور، نقشی مهم و ضروری ایفا می‌کند. این نقش در عصر اطلاعات، به‌اندازه‌ای آشکار است که نظام آماری کشورها و حجم و کیفیت بانک‌های اطلاعاتی آن‌ها، نه‌تنها یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها به‌شمار می‌رود، بلکه متقابلاً نیز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها بدون در اختیار داشتن آمار کافی، صحیح، دقیق و به‌هنگام ممکن نیست. امروزه ثبت احوال کشورها به‌دلیل ثبت، جمع‌آوری و انتشار آمار وقایع حیاتی، موقعیت متمایزی یافته‌اند که می‌توانند مراکز اجرایی را در دستیابی به آمارهای با کیفیت و قابل اعتماد جامعه، یاری نموده و زمینه رسیدن به توسعه پایدار را فراهم آورند. آمارهای جمعیتی، نه‌تنها برای برنامه‌ریزی توسعه ضروری هستند، بلکه برای تصمیم‌گیری دولت، در صنعت و مشاغل دیگر و همچنین برای افزایش پژوهش و بحث و تبادل نظر درباره مسائل مهم جامعه استفاده می‌شوند.

به‌طور کلی، سه منبع اصلی آمارهای جمعیتی عبارتند از: سرشماری، آمارگیری‌های نمونه‌ای خانوار و آمارهای ثبتی. آمارهای ثبتی، آمارهای وقایع حیاتی را در برمی‌گیرند و با عنوان داده‌های ثبت وقایع حیاتی شناخته می‌شوند. در حالی که اهمیت ثبت وقایع حیاتی/جمعیتی، اعم از تولد، مرگ، ازدواج و طلاق، بر همگان آشکار شده و یکی از اساسی‌ترین واقعیت‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید، با ثبت به‌موقع وقایع حیاتی، از یک‌طرف می‌توان آن را به‌صورت اسناد و مدارک مستدل درآورد و به‌عنوان یک ادله حقوقی از آن استفاده نمود که از نظر امنیتی حائز اهمیت است و از طرف دیگر، از آنجایی که اساس دستیابی به توسعه متناسب و متوازن در همه جهات، برنامه‌ریزی و داشتن تعریفی صحیح از هدف و شناسایی راهکارهای عملی آن برنامه‌ریزی می‌باشد، در عین حال، برنامه‌ریزی، بدون در اختیار داشتن آمارهای جمعیتی امکان‌پذیر نیست. پس، ثبت وقایع حیاتی را می‌توان به‌عنوان یک داده به آمار حیاتی تبدیل نمود و جهت استفاده، در اختیار برنامه‌ریزان کلان کشور قرار داد (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۷۲).

به اذعان مطالعات و منابع موجود (میرزایی، ۱۳۸۱؛ سرینی و اسان، ۱۳۸۴؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۴)

در اکثر کشورهای در حال توسعه، به طور کلی، و در برخی مناطق در جامعه ایران به طور خاص، منابع آمارها و اطلاعات جمعیتی برای اهداف آماری و برنامه ریزی با اشکالات و نواقصی مواجه هستند و قابلیت به کارگیری برای برآورد شاخص های جمعیتی به صورت مستقیم را ندارند. به عنوان مثال، در این کشورها، برنامه های مناسب برای آمارگیری های نمونه ای از خانوارها وجود ندارد، سرشماری ها دارای اشکالات پوششی و محتوایی هستند، و داده های ثبت نیز به طور ویژه دارای اشکالاتی همچون دیرثبتی می باشند.

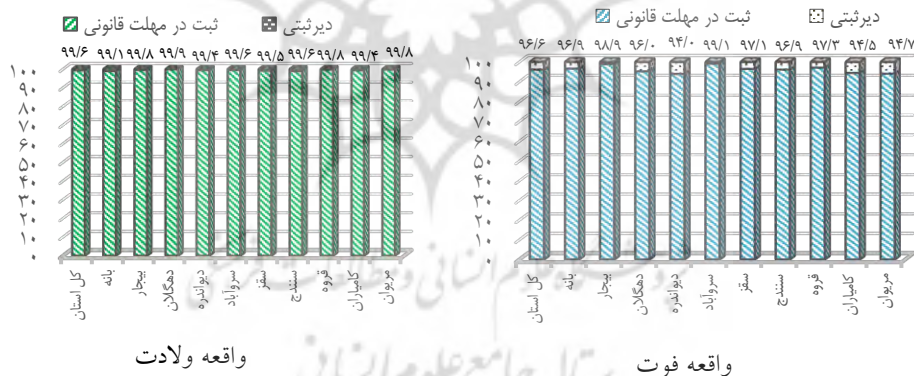
نارسایی در پوشش و ثبت آمارهای جمعیتی، دلایل مختلفی را شامل می شود که از جمله می توان به فقدان واحدهای آمارگیری کارآمد در دستگاه های مسئول آمارگیری جمعیتی، نبود دانش تخصصی در بین آمارگیران، فقدان همکاری میان دستگاه های آمارگیری، کم توجهی به نقش مهم آمارهای جمعیتی در بین مسئولان دستگاه های ذی ربط، ضعف فرهنگ آماری در بین مردم، فقدان تعاریف، مفاهیم و طبقه های استاندارد در ثبت آمارها، ناهماهنگی زمانی در وقوع و در ثبت وقایع جمعیتی، جامع نبودن پوشش موضوعی، درونی نشدن هنجار و فرهنگ ثبت به موقع وقایع حیاتی، مشکلات قانونی و سیستم دست و پاگیر اداری، عدم تمکن مالی در مواقعی که ثبت آمارهای جمعیتی با صرف هزینه همراه است، پایین بودن میزان آگاهی، عدم دسترسی آسان و سریع به ادارات ثبت احوال و غیره اشاره کرد (وزارت بازرگانی، ۱۳۸۲؛ پرویش و محسنی، ۱۳۹۰).

از قرائن این گونه برمی آید که در ایران، همچون سایر مناطق و کشورهای در حال توسعه، کیفیت اطلاعات جمعیتی به دلایل مختلف، از جمله خلاء در نظام جمع آوری داده ها، به خصوص در مورد سیستم های آمارهای ثبتی دچار اشکالاتی اساسی است. از جمله این اشکالات، به ویژه در مورد داده های ثبتی، دو مسأله مهم، با عناوین دیرثبتی و کم ثبتی است. چنانچه واقعه ای دیرتر از مهلت های قانونی تصریح شده در قانون ثبت احوال که ۱۵ روز برای ثبت ولادت و ۱۰ روز برای ثبت فوت است، به ثبت برسد، پدیده دیرثبتی اتفاق افتاده است؛ و اگر واقعه ای در همان سال که اتفاق افتاده است به ثبت نرسد به نحوی که در آمارهای سال مزبور لحاظ نشود، پدیده کم ثبتی رخ داده است. برابر رویه های معمول سازمان ثبت احوال کشور، کلیه وقایعی که در همان سال اتفاق به ثبت برسد، جاری محسوب شده و در غیر این صورت در زمره وقایع معوقه به شمار می آیند (پرویش و محسنی، ۱۳۹۰).

تحلیلی بر سالنامه آمارهای جمعیت کشور در سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که در استان کردستان ۰/۴ درصد از ولادت‌ها در مهلت قانونی به ثبت نرسیده و از این نظر در جایگاه دهم در بین استان‌های کشور قرار دارد. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و همدان به ترتیب با ۰/۱، ۰/۱ و ۰/۲ درصد ثبت ولادت معوقه، در بهترین جایگاه، و استان‌های قم، ایلام و سیستان و بلوچستان به ترتیب با ۲/۳، ۳/۶، و ۴/۰ درصد ثبت معوقه، در پایین‌ترین جایگاه قرار داشته‌اند. استان کردستان اما، از نظر ثبت واقعه فوت با ۳/۱ درصد ثبت معوقه هم در مقایسه با واقعه ولادت و هم در بین استان‌ها نامناسب‌تر و در جایگاه شانزدهم قرار داشته است. از این نظر، استان‌های یزد، خراسان جنوبی و مازندران به ترتیب با ۰/۸، ۱/۵، و ۱/۸ درصد ثبت معوقه در بهترین وضعیت، و استان‌های لرستان، کرمان و سیستان و بلوچستان به ترتیب با ۵/۹، ۶/۸، و ۱۰/۹ درصد در بدترین وضعیت قرار داشته‌اند (پردازش اطلاعات سالنامه آمارهای جمعیتی کل کشور سال ۱۳۹۷).

نمودار ۱. درصد ثبت فوت و ولادت در مهلت قانونی و ثبت معوقه (دیرثبتی)

شهرستان‌های استان کردستان، سال ۱۳۹۷



منبع: پردازش بر اساس اطلاعات سالنامه آمارهای جمعیتی سال ۱۳۹۷، اداره کل ثبت احوال کردستان.

به‌طور خلاصه، اطلاعات فوق‌گویی آن است که استان کردستان از نظر پوشش ثبت وقایع جمعیتی همچون ولادت و فوت با وضعیت ایده‌آل کشوری به مراتب فاصله دارد. بر حسب شهرستان نیز همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، در شهرستان‌های دیواندره، کامیاران، مریوان، دهگلان، بانه و سنندج، پدیده دیرثبتی شایع‌تر و به‌ویژه در واقعه فوت از ۳ تا ۶ درصد

متغیر است (نمودار ۱). مسائلی از این دست ریشه در عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در سطح کلان، و همچنین عوامل و انگیزه‌های افراد در سطح خرد دارند. در پژوهش حاضر، هدف آن است که در سطح خرد، به بررسی عوامل برانگیزنده تمایل به ثبت وقایع جمعیتی در استان کردستان پرداخته شود.

در راستای هدف پژوهش، این مقاله درصدد است تا به سؤالات ذیل پاسخ دهد: ۱) درک و نگرش پاسخگویان در خصوص دسترسی به مراکز و امکانات ثبت وقایع جمعیتی چگونه است؟، ۲) سطح و میزان آگاهی پاسخگویان از قوانین ثبت وقایع جمعیتی به چه صورت است؟، ۳) نگرش پاسخگویان به ثبت وقایع جمعیتی به چه صورت است؟، ۴) درک پاسخگویان از هنجار ثبت وقایع جمعیتی چگونه است؟، و ۵) نقش متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای در تمایل به ثبت وقایع جمعیتی به چه صورت است و به چه میزان آن را توضیح می‌دهند؟

در اهمیت موضوع حاضر، می‌توان به چند مورد اشاره کرد؛ اول، به آن جهت که آمارها و داده‌های جمعیتی برای برنامه‌ریزی در زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی در جامعه امروزی بسیار مهم است، مسائلی که از نظر کیفیت پیش‌روی این داده‌ها وجود دارد، ممکن است برنامه‌ریزان و استفاده‌کنندگان از این اطلاعات را با مشکل روبرو سازد. از جمله این مشکلات می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد: نخست، دیرثبیتی وقایع حیاتی که اکثر سازمان‌های مربوطه از جمله ثبت‌احوال از آن به‌عنوان دغدغه اصلی خود نام می‌برند. دوم، فعالیت‌های مرتبط با اجرای طرح‌های آمارگیری و جمع‌آوری اطلاعات در قالب سرشماری یا داده‌های ثبتی با صرف وقت و هزینه‌های هنگفت انسانی و مالی همراه است. لذا عدم تولید و دستیابی به آمارهای جمعیتی دقیق با وجود صرف هزینه‌های زیاد، نه تنها دستگاه‌های سیاست‌گذار و اجرایی را ناکام می‌گذارد، بلکه اتلاف سرمایه‌های جامعه است. بنابراین، شناخت عوامل داده‌های ثبتی نادرست، ضروری است. و سوم، در استان کردستان در رابطه با موضوع حاضر، خلاء مطالعاتی وجود دارد.

چارچوب نظری

کنش اجتماعی افراد به‌نظر برخی از صاحب‌نظران همچون دورکیم، تحت تأثیر واقعیت‌های بیرونی شکل می‌گیرد و از طرف دیگر، کسانی مثل وبر بر معانی ذهنی افراد بیشتر تأکید می‌ورزند (به نقل از روشه، ۱۳۷۴: ۲۱۶). اگر ثبت رویدادهای جمعیتی را به‌عنوان یک کنش اجتماعی در

نظر بگیریم که با توجه به نیاز روزافزون بشر به ثبت این وقایع، در تمام کشورهای دنیا نهادهایی جهت ثبت آن‌ها دایر گردیده‌اند، میزان و چگونگی کنش و مشارکت افراد در این امر اجتماعی نیز می‌تواند هم تحت تأثیر عوامل بیرونی و هم تحت تأثیر عوامل درونی باشد.

نظریه‌های دیگری نیز هستند که به مؤلفه‌هایی همچون احساس بی‌قدرتی، احساس بیگانگی، نابسامانی اجتماعی و فقدان یا سست شدن هنجارهای اجتماعی، قدرت نخبگان جامعه، خود اثربخشی افراد، فقدان آگاهی، هزینه و فایده، و... به‌عنوان عوامل اثرگذار بر کنش اجتماعی افراد و رفتار مشارکتی آن‌ها تأکید می‌ورزند (خانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰)، اما از بین نظریه‌های مذکور، نظریه عمل منطقی^۱ و رفتار برنامه‌ریزی‌شده^۲ در خصوص موضوع حاضر تبیین جامع‌تری ارائه می‌دهد. اگرچه ذکر این نکته ضروری است که رفتار بشری پیچیده است و یک نظریه، به‌تنهایی نمی‌تواند رفتار افراد را در هر زمینه‌ای تبیین نماید، اما به‌رحال، این نظریه همراه با تئوری هزینه-پاداش^۳، چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

نظریه عمل منطقی در سال ۱۹۷۵ توسط آیزن و فیشباین^۴ ابداع شد و در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱ توسط آیزن توسعه داده شد و نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده نام گرفت (آیزن، ۲۰۰۵: ۱۱۷). در واقع، نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده یک مدل بسط‌یافته‌تر از نظریه عمل منطقی است که احتمال کنترل ارادی ناقص را به‌وسیله ملحق شدن یک سازه اضافی، یعنی «کنترل رفتاری درک‌شده» نشان می‌دهد. این نظریه همانند نظریه عمل منطقی، بر مبنای این فرض است که انسان‌ها معمولاً به شیوه معقول رفتار می‌کنند، به‌گونه‌ای که آن‌ها با استفاده از اطلاعات در دسترس‌شان، به‌طور ضمنی و یا صریح به پیامدهای اعمال‌شان می‌پردازند. بنابراین، تصمیمات افراد برای انجام رفتار، مهم‌ترین تعیین‌کننده بلافصل آن عمل است. تصمیمات افراد نیز تابعی از سه عامل تعیین‌کننده نگرش نسبت به رفتار، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری درک‌شده است. نگرش، ارزیابی مثبت یا منفی فرد از رفتار مورد نظر است. هنجار، درک فرد از فشار اجتماعی نسبت به انجام یا عدم انجام رفتار است و سومین عامل، احساس خودکارآمدی^۵ یا توانایی اجرای رفتار مورد علاقه

-
1. Theory of Reasoned Action
 2. Theory of Planned Behavior
 3. Cost-Benefit Theory
 4. Ajzen & Fishbein
 5. Self-Efficacy Feel

است که این سازه احتمال کنترل ارادی ناقص بر رفتار را نشان می‌دهد (آیزن، ۲۰۰۵: ۱۱۸). طبق این نظریه، تعیین‌کننده‌های تمایلات، به‌طور منطقی از اعتقادات رفتاری، هنجاری و کنترل پیروی می‌کنند. افرادی که در محیط‌های گوناگون اجتماعی رشد می‌کنند به منابع و اطلاعات متعددی دسترسی دارند که می‌تواند اعتقاد رفتاری، هنجاری و کنترل آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. این منابع و اطلاعات، عوامل زمینه‌ای نام گرفته‌اند که به سه دسته عوامل شخصی، عوامل اجتماعی و عوامل اطلاعاتی تقسیم می‌شوند (آیزن، ۲۰۰۵: ۱۳۵-۱۳۴).

مؤلفه کنترل رفتاری درک‌شده در این نظریه، می‌تواند به تبیین رابطه بین محدودیت ساختاری مانند درک از دسترسی آسان و به‌موقع به مراکز ثبت داده‌ها، نبود امکانات لازم برای ثبت و... با دیرثبتی و عدم تمایل به ثبت داده‌های جمعیتی بپردازد. مؤلفه نگرش نسبت به رفتار نیز می‌تواند به تبیین رابطه بین نگرش افراد به ثبت وقایع حیاتی و آمارهای جمعیتی و آگاهی از مزایای ثبت داده‌ها با دیرثبتی و یا کم‌ثبتی داده‌های جمعیتی بپردازد و همچنین سازه درک از هنجار قادر است که به تشریح رابطه بین درک از هنجار ثبت در میان دیگران مهم مانند دوستان، آشنایان، جامعه و... با دیرثبتی و کم‌ثبتی داده‌های جمعیتی بپردازد و همچنین قضاوت دیگران در خصوص ثبت رویدادها و پایبندی به آن قضاوت‌ها را با دیرثبتی تبیین نماید (خانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴). در مجموع، بر اساس این نظریه، می‌توان عناصر مؤثر بر شکل‌دهی به یک کنش را به‌صورت زیر فهرست نمود: ۱- انتظاری که افراد در مورد نتایج یک کنش دارند، ۲- ارزیابی‌ای که از نتایج کنش می‌نمایند، ۳- میزان اطلاعاتی که از ابعاد آن کنش دارند، ۴- تصویری که از ارزیابی دیگران در مورد این کنش دارند، ۵- انگیزه فرد برای برآوردن توقعات دیگران، ۶- میزان اقدام به کنش در گذشته، و ۷- امکانات و وسایل لازم برای عملی ساختن کنش (یزدان‌پناه، ۱۳۸۲: ۸۱).

در چارچوب بحث آیزن و فیشباین در مورد عوامل مؤثر بر قصد و نیت کنش، می‌توان گرایش به مشارکت در ثبت رویدادها را این‌گونه مورد تبیین قرار داد: اولاً، لازم است که یک فرد از مشارکت خود، شناختی اجمالی داشته باشد. ثانیاً، باید مشخص شود که فرد از پیامدهای این مشارکت چه تصور و انتظاری دارد. در مرحله سوم، عامل انگیزه‌های درونی در مشارکت ثبت رویداد خود را نمایان می‌سازد. به تعبیر دیگر، باید مشخص شود که فرد در داوری‌های خود برای مشارکت اجتماعی (در اینجا تمایل به ثبت رویدادها)، چه ارزشی قائل است و بسته به میزان مثبت بودن ارزیابی وی، عزم و نیت او برای کنش، قوی‌تر خواهد بود. این سه عامل تا

بدین جا میزان گرایش افراد به مشارکت و ثبت به موقع رویدادها را تعیین می‌کنند. باید اضافه کرد که تنها گرایش‌ها و نگرش‌های فردی نیست که زمینه مساعد برای یک کنش را پدید می‌آورد، بلکه هنجارهای اجتماعی نیز در این زمینه نقش مؤثری ایفا می‌نمایند. در زمینه هنجارهای اجتماعی نیز آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تصویری است که فرد از این هنجارها دارد. از این رو، می‌توان دو سازه مهم دیگر در این زمینه را عبارت از تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت و میزان علاقه فرد به برآوردن توقعات دیگران دانست. در سازه نخست، قضاوت دیگران مطرح است و در سازه دوم، میزان تبعیت فرد از این قضاوت‌ها. عامل مؤثر دیگری که می‌تواند نقش تسهیل‌کننده یا مانع در ایجاد انگیزه برای مشارکت در ثبت به موقع رویداد را بازی نماید، سوابق فرد در این زمینه است. مشاهدات نشان می‌دهند که برای کسانی که سابقه اقدامی خاص را تجربه کرده‌اند، زمینه مساعدتری برای تکرار آن عمل وجود دارد؛ بنابراین، انتظار می‌رود افراد در ثبت فرزندان بعدی یا رتبه‌های بالاتر موفق‌تر عمل کرده باشند البته به شرطی که قبلاً نیز ثبت به موقع داشته‌اند. همچنین اگر مشارکت با پاداش اجتماعی مورد استقبال قرار نگرفته و یا حتی با تنبیه مواجه شده باشد، همین زمینه مساعد می‌تواند به ضد خویش تبدیل گردد. در نهایت، عامل ویژگی‌های فردی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. شور مشارکت در افراد بسته به جنسیت، سن، دسترسی به وسایل اطلاعاتی، محل سکونت و... ممکن است متفاوت باشد. در صورت مساعد بودن همه عوامل فوق، قصد مشارکت در فرد پدید می‌آید، اما تنها قصد مشارکت برای اقدام به مشارکت کافی نیست، بلکه وجود امکان و شرایط لازم نیز شرط مهمی است و یا حتی درک افراد از توانایی انجام رفتار می‌تواند مؤلفه مهمی باشد که سازه کنترل رفتاری درک‌شده در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده بر این قضیه تأکید دارد. ممکن است نگرش افراد در خصوص ثبت به موقع وقایع مثبت باشد و فشار هنجاری مثبتی در این زمینه وجود داشته باشد، اما زمینه و امکانات لازم برای ثبت به موقع رویدادها وجود نداشته باشد و یا حتی وجود داشته باشد اما درک افراد و خودکارآمدی آن‌ها در زمینه انجام رفتار پایین باشد (توانایی ذهنی)؛ در نتیجه، ممکن است رفتار موردنظر (ثبت به موقع) انجام نگیرد و پدیده دیرثبتی اتفاق بیفتد.

بر اساس نظریه مبادله، آنچه موجب بروز یک رفتار می‌شود و پایداری آن را سبب می‌گردد، پاداش حاصل از انجام آن رفتار می‌باشد (توسلی، ۱۳۸۰: ۴۱۲). در این دیدگاه، مشارکت و مداخله مدنی، به‌عنوان یک رفتار، زمانی رشد خواهد کرد که انسان‌ها در مقام شهروندان

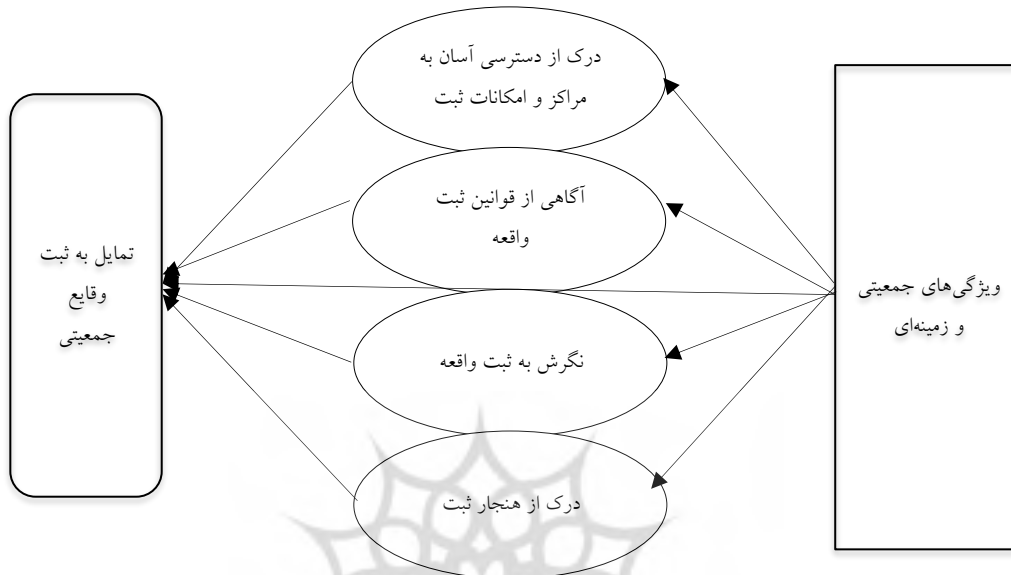
شرکت‌کننده، پاداشی بر آن مترتب ببینند. بنابراین، افراد رفتاری را انجام خواهند داد که برای آن‌ها پاداشی در پی داشته باشد. یکی از پایه‌های نظریه مبادله، مفهوم پاداش-هزینه می‌باشد و یکی از قوی‌ترین پاداش‌هایی که این نظریه طرح می‌کند، «تأیید اجتماعی» است (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۸۹). همچنین در این نظریه، قضیه موفقیت، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین قضایا برای تبیین رفتار مشارکتی و شهروندی فعال، بیان‌گر آن است که اگر فرد عملی را انجام دهد و پاداش دریافت کند، احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد (ریتزر، ۱۳۸۱: ۴۲۹). بر پایه این قضیه، اگر مشارکت به‌موقع در ثبت رویدادها به‌عنوان رفتار از سوی فرد ابراز شود و پاداش دریافت کند (مثلاً منافع مادی حاصل از آن یا منزلت اجتماعی مطلوب برای فرد)، احتمال آن‌که تمایل فرد به رفتار مشارکتی و میزان آن افزایش یابد، بیشتر می‌شود. قضیه ارزش، به‌عنوان یکی دیگر از قضایا در این نظریه نیز، بیان‌گر آن است که هر چه نتیجه یک کنش برای شخص، باارزش‌تر باشد، احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد (همان: ۴۳۰).

رابرت دال^۱ (۱۳۶۴: ۱۳۹-۱۳۳) در نظریه هزینه و فایده خود معتقد است: آنچه باعث تمایل به یک فعالیت می‌شود به این صورت است که از خودش مطمئن باشد که حتماً می‌تواند در نتایج تصمیمات تأثیر بگذارد و اگر خودش خوب عمل نکند، نتایج کارها چندان رضایت‌بخش نخواهد بود. همچنین، در مورد مسأله موردنظر یا واقعاً دانش و مهارت کافی داشته باشد یا فکر کند از چنین آگاهی و دانشی برخوردار است؛ بنابراین، با توجه به این دیدگاه، آگاهی و دانش در خصوص ثبت وقایع و قوانین مرتبط با آن می‌تواند مشارکت افراد را در این حوزه بالا ببرد.

در جمع‌بندی مباحث نظری، می‌توان گفت: در مورد تمایل به ثبت وقایع جمعیتی، چنانچه نتایج و دستاوردهای آن برای فرد نسبت به رفتار دیرثیتی و یا عدم ثبت رویدادها، ارزش بیشتری داشته باشد، احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد. ارزش یک کنش حاصل فایده و هزینه‌های آن یا به تعبیر هومنز^۲ پاداش و تنبیه است. یعنی هر چه یک کنش، پاداش بیشتر و هزینه کمتری دریافت کند، تکرار آن محتمل‌تر است، لذا، اگر ثبت به‌موقع رویدادها با پاداش مواجه شود و عدم ثبت و دیرثیتی منجر به تنبیه شود، احتمال پوشش و ثبت به‌موقع رویدادها بالا می‌رود. بدین ترتیب، مدل نظری پژوهش با کمک دو دستگاه نظری فوق در شکل ۱ نشان داده شده است.

-
1. Robert Dull
 2. Homans

شکل ۱. مدل نظری پژوهش



پیشینه تحقیق

در این قسمت به برخی از مهم‌ترین نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی مرتبط با موضوع پرداخته می‌شود و در نهایت، وجه تمایز پژوهش حاضر با آن‌ها مشخص می‌گردد. مکاینده^۱ و همکارانش (۲۰۱۶) به مطالعه روند تکمیل ثبت تولد در نیجریه و شناسایی تفاوت‌های جغرافیایی در ثبت و همچنین شناسایی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های ثبت تولد کودک پرداختند. آن‌ها نشان دادند که نرخ ثبت بر حسب بسیاری از متغیرهای زمینه‌ای، همچون محل سکونت، جنسیت نوزاد، منطقه جغرافیایی، سن و تحصیلات مادر، مذهب، ثروت خانوار، و استفاده از وسایل تنظیم خانواده، متفاوت و معنی‌دار است؛ به طوری که نرخ ثبت در نقاط شهری، برای نوزادان پسر، در میان مادران ۳۹-۳۰ ساله و دارای تحصیلات بالا، در میان مسیحیان نسبت به مسلمانان و سایر مذاهب و همچنین در میان خانوارهای ثروتمندتر و استفاده‌کننده از برنامه‌های تنظیم خانواده، بیشتر بوده است.

1. Makinde

بررسی عوامل برانگیزنده تمایل به ثبت وقایع جمعیتی در استان کردستان ۴۱

پلوسکی^۱ و همکارانش (۲۰۱۵) پژوهشی را با عنوان «چرا کودکان تان را ثبت نمی‌کنید؟ مطالعه نگرش و عوامل مؤثر بر ثبت موالید در کنیا و پیشنهادهای سیاستی» به روش پیمایش مقطعی، در میان ۹۴۶ خانوار انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داده است که بین تحصیلات والدین، شغل والدین، محل سکونت و میزان آگاهی از فرآیند ثبت با ثبت تولد کودکان، رابطه معناداری وجود دارد. این محققان، در نهایت پیشنهاد کرده‌اند که هزینه ثبت تولد برای خانوارها کاهش و منفعت ثبت برای آنان افزایش یابد تا انگیزه والدین برای ثبت تولد کودکان خود بیشتر گردد.

توبین^۲ و همکارانش (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان «وضعیت ثبت تولد و مرگ و عوامل مرتبط با آن در جنوب منطقه نیجریه» انجام دادند. روش مورد استفاده این محققان، پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه ساختاریافته بوده و داده‌ها از ۳۲۴ نفر از سرپرستان خانوار یا همسران‌شان گردآوری شده است. یافته‌های توبین و همکارانش نشان داد که آگاهی از ثبت تولد، بالا بوده، اما این آگاهی در خصوص فوت متفاوت است. همچنین یافته‌های آنها بیانگر آن بوده که سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و مذهب با ثبت تولد و وضعیت تحصیلی با ثبت مرگ، رابطه معناداری دارد. نتیجه سیاستی پژوهش توبین و همکارانش، ارائه اقدامات عملی برای افزایش آگاهی عموم مردم در مورد ثبت وقایع حیاتی، به‌ویژه مرگ بوده است.

پورشهری (۱۳۹۲) در پژوهشی اسنادی با عنوان «آسیب‌شناسی دیرثیتی وقایع حیاتی» نشان داد که مهم‌ترین عوامل مرتبط با دیرثیتی در جامعه ایران عبارت‌اند از: سهل‌انگاری شهروندان، بستر فرهنگی مانند عدم آگاهی از قوانین، ساماندهی ثبت وقایع حیاتی، و مشارکت کم مردم. او در یک طبقه‌بندی دیگر، علل دیرثیتی را به دو دسته متغیرهای قابل دخالت^۳ و غیرقابل دخالت^۴ تقسیم نموده است. متغیرهای قابل دخالت تحت نظارت در می‌آیند اما متغیرهای غیرقابل دخالت مانند نبود پدر، غیرقابل تغییر هستند و باید در برنامه‌ریزی‌های آتی مورد توجه قرار گیرند.

اصانلو (۱۳۹۱) پژوهشی با هدف شناخت عوامل مؤثر بر ثبت خارج از مهلت قانونی واقعه ولادت و وفات و شناخت عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی انجام داده است. جامعه آماری

-
1. Pelowski
 2. Tobin
 3. Manipulable Variable
 4. Non Manipulable Variable

پژوهش، شامل کلیه کسانی است که واقعه ولادت و فوت را خارج از مهلت قانونی در استان زنجان در سال ۱۳۹۱ به ثبت رسانده بودند. یافته‌های پژوهش اصائلو نشان داده که ۷۲ درصد ولادت‌های ثبت شده در خارج از مهلت قانونی، به علت عدم آگاهی اعلام‌کنندگان از مهلت قانونی ثبت ولادت بوده و بین جنسیت اعلام‌کنندگان، نوع ازدواج والدین، سمت سازمانی اعلام‌کنندگان در فاصله وقوع تا ثبت، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین ۸۶ درصد فوت‌های ثبت شده در خارج از مهلت قانونی، به علت عوامل برون‌سازمانی و ۶ درصد مربوط به عوامل درون‌سازمانی بوده، و بین جنسیت متوفی، و علت ثبت در فاصله وقوع تا ثبت، تفاوت معناداری مشاهده شده است.

سایر پژوهش‌های انجام گرفته در کشور را از لحاظ موضوعی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: برخی از آن‌ها همچون مطالعات حسن‌لاریجانی (۱۳۹۰)، قندالی (۱۳۹۰)، میریان و رحم‌دل (۱۳۸۶)، حقانی (۱۳۸۵) و امیرخسروی (۱۳۸۰) به علل و عوامل مؤثر بر دیرثبیتی و کم‌ثبیتی وقایع جمعیتی در نقاط مختلف کشور پرداخته‌اند، و برخی دیگر همچون مطالعات کوششی و ترکشوند مرادآبادی (۱۳۹۶)، عینی‌زیناب و همکاران (۱۳۹۴) و زنجان‌ی و همکاران (۱۳۹۲)، موضوع را از لحاظ تکنیکی بررسی کرده‌اند که از ذکر نتایج آن‌ها صرف‌نظر می‌شود. در جمع‌بندی، باید گفت که علی‌رغم نقاط قوت تحقیقات پیشین، عدم استفاده از چارچوب نظری یکی از ضعف‌های این پژوهش‌هاست. همچنین به بُعد ذهنی و انگیزه کنشگران در خصوص ثبت وقایع کم‌تر توجه شده و انگیزه‌های افراد اعلام‌کننده و نگرش مردم در خصوص وقایع ثبت بررسی نشده است. بنابراین، در پژوهش حاضر سعی شده است که به تبیین موضوع با استفاده از یک دستگاه نظری مناسب پرداخته شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد به موضوع و ماهیت داده‌ها، یک پژوهش کمی از نوع توصیفی-تحلیلی است و به روش «پیمایشی» در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، یک پرسشنامه محقق ساخته با پاسخ‌های بسته و مشخص و مستخرج از ادبیات نظری و تجربی پژوهش بوده و قبل از توزیع در میدان پژوهش، از نظر اعتبار و پایایی مورد راستی‌آزمایی قرار گرفت.

برای بررسی اعتبار پرسشنامه، از اعتبار محتوا^۱ و اعتبار عاملی^۲ استفاده شد. برای این منظور، ابتدا، از ۶ نفر از کارشناسان ثبت احوال استان کردستان درخواست شد تا نسبت به نحوه طرح سؤال، واضح بودن سؤالها، مناسب بودن ابزار، شکل ظاهری و نظایر آن اظهار نظر کرده و بر اساس آن، تغییرات و اصلاحات لازم انجام گرفته و در نهایت، پرسشنامه به تأیید رسید. پس از آن، اعتبار عاملی پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی^۳ و با شاخص کیزر-مایر الکنین^۴ در بین بیش از ۵۰ پاسخگوی تصادفی اندازه‌گیری شد. برای بررسی پایایی (ثبات درونی)^۵ سؤالات پرسشنامه نیز، از آزمون آلفای کرونباخ^۶ استفاده گردید. در جدول ۱، مقدار و عناصر آزمون تحلیل عاملی به‌روش تجزیه مؤلفه‌های اصلی و مقدار آزمون آلفای کرونباخ به‌ترتیب برای گویه‌های متغیرهای تحقیق آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقادیر شاخص کیزر-مایر الکنین و شاخص آلفای کرونباخ در همه موارد به جز متغیر «درک از دسترسی آسان به مراکز ثبت و امکانات ثبت» بیشتر از ۰/۷۰ است و این نتایج، حاکی از مناسب بودن سؤالات پرسشنامه از نظر اعتبار و دقت اندازه‌گیری، و همچنین از نظر پایایی و سازگاری درونی بوده است.

جدول ۱. مقادیر شاخص کیزر-مایر الکنین و آلفای کرونباخ گویه‌های متغیرها

متغیرها	مقدار کیزر-مایر الکنین	مقدار آلفا	تعداد گویه‌ها	تعداد پاسخگویان
تمایل به ثبت وقایع جمعیتی	۰/۷۳	۰/۸۴	۵	۵۳
درک از دسترسی آسان به مراکز ثبت و امکانات ثبت	۰/۷۱	۰/۶۲	۵	۵۳
آگاهی از قوانین ثبت رویداد	۰/۷۳	۰/۷۱	۶	۵۳
نگرش به ثبت رویدادها	۰/۷۲	۰/۷۵	۸	۵۳
درک از هنجار ثبت	۰/۷۵	۰/۷۰	۵	۵۳

1. Content Validity
2. Factor Validity
3. Factor Analysis
4. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy (KMO)
5. Internal Stability
6. Cronbach's Alpha

جامعه آماری، کلیه خانوارهای معمولی ساکن در نقاط شهری استان کردستان، و مطابق با نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، برابر با ۳۳۶۱۴۵ خانوار می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). حجم نمونه پژوهش، با استفاده از نرم‌افزار اپی اینفو^۱ با در نظر گرفتن فاصله اطمینان ۹۵ و خطای ۵ درصد، ۳۸۴ خانوار (نفر در خانوار) برآورد گردید. بدین ترتیب، در خانوارهای شهری سه شهرستان سنندج، بانه و کامیاران، ۳۸۴ نفر از سرپرستان خانوار، به‌عنوان نمونه، با ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، طبقه‌ای متناسب، تصادفی سیستماتیک، و هدفمند انتخاب شدند. همچنین، بر اساس رویکرد نمونه‌گیری، تعداد نمونه‌ها در سنندج ۲۲۷ نفر، در بانه ۹۶ نفر و در کامیاران ۴۵ نفر بوده است. این سه شهرستان، روی هم‌رفته حدود ۴۷/۵ درصد از جمعیت کل استان را در برمی‌گیرند، و هم ترکیبی از ویژگی‌های مرزی بودن، مرکزی بودن و حتی تنوع بافت قومی را دارا هستند. بعد از گردآوری و پردازش داده‌ها، اطلاعات جمع‌آوری‌شده، در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ با استفاده از آماره‌ها و آزمون‌های مناسب مورد تحلیل قرار گرفتند.

تعریف مفاهیم و متغیرها

۱- تمایل به ثبت وقایع جمعیتی: منظور از این مفهوم، میزان تمایل و انگیزه افراد به مشارکت در ثبت وقایع جمعیتی است که با ۵ گویه با محتوای رفتاری و نگرشی سنجیده شده است. این گویه‌ها در بخش اول جدول ۳ با پاسخ‌های "کاملاً موافق" تا "کاملاً مخالف" نشان داده شده است.

۲- درک از دسترسی آسان به مراکز و امکانات ثبت واقعه: بر اساس الگوی رفتار برنامه‌ریزی شده آیزن و فیشباین، می‌توان گفت که درک از دسترسی آسان به مراکز ثبت و امکانات ثبت وقایع ناظر بر «باورهای کنترلی»^۲ و یا «کنترل رفتاری درک‌شده»^۳ در این زمینه است. منظور از باورهای کنترلی، باورهای مرتبط با عوامل تسهیل‌کننده و یا عوامل بازدارنده‌ای هستند که تعیین‌کننده کنترل رفتاری درک‌شده فرد می‌باشند (آیزن^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). باورهای

-
1. Epiinfo (STATCALC)
 2. Control Beliefs
 3. Perceived Behavioral Control
 4. Ajzen

کنترلی بر اساس تجربه‌های رفتاری گذشته، اطلاعات دست دوم، مشاهده‌های مستقیم از تجربه‌های دیگران و عوامل دیگری است که سبب افزایش یا کاهش توانایی درک انجام رفتار خاصی می‌شود (بل^۱، ۲۰۱۳). کنترل رفتاری درک‌شده هم، به فرایندی گفته می‌شود که از عوامل خاصی مانند عناصر هنجاری و کنترل درک‌شده اثر می‌پذیرد. این عناصر رفتاری بر قصد رفتاری فرد تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، کنترل رفتاری درک‌شده، به دیدگاه افراد از ظرفیت خود برای انجام یک رفتار خاص نسبت داده می‌شود (آیزن و همکاران، ۲۰۱۱). به باور آیزن (۲۰۱۲)، «کنترل رفتاری درک‌شده می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر عملکرد رفتاری فرد تأثیر بگذارد. این وضعیت به‌معنای تأثیر کنترل رفتاری درک‌شده بر قصد انجام رفتاری خاص و مواجهه با مشکلات پیش‌رو در طول اجرای آن رفتار است». این متغیر با ۵ گویه مندرج در بخش دوم جدول ۳ با پاسخ‌های "کاملاً موافق" تا "کاملاً مخالف" سنجش شده است.

۳- آگاهی از قوانین ثبت واقعه: در این پژوهش منظور از «آگاهی از قوانین ثبت واقعه»، آشنایی نسبی افراد مورد مطالعه با قوانین و برنامه‌های سازمان ثبت احوال و سایر سازمان‌های درگیر در امر ثبت و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات جمعیتی است، و با ۶ گویه مندرج در بخش سوم جدول ۳ با پاسخ‌های "کاملاً موافق" تا "کاملاً مخالف" سنجش شده است.

۴- نگرش به ثبت واقعه: نگرش^۲ بر مبنای مقادیر برون‌دادهای مورد انتظار شکل گرفته و بر پایه ارزش‌گذاری برون‌دادهای ارزیابی می‌شود (کالافاتیس^۳ و همکاران، ۱۹۹۹). همسو با دیدگاه آیزن (۲۰۱۰)، نگرش به گرایش مطلوب یا نامطلوب فرد، به قصد تکرار یک رفتار خاص نسبت داده می‌شود. منظور از «نگرش نسبت به ثبت وقایع جمعیتی» یعنی اینکه رفتار مورد نظر تا چه حد نزد فرد مطلوب، خوشایند یا مفید است که به قضاوت فرد در مورد پیامدهای رفتار بستگی دارد. این متغیر در پژوهش حاضر با ۸ گویه مندرج در بخش چهارم جدول ۳ با پاسخ‌های "کاملاً موافق" تا "کاملاً مخالف" سنجش شده است.

۵- درک از هنجار ثبت: بر اساس الگوی آیزن و فیشباین، درک از هنجار ثبت ناظر بر

1. Bell
2. Attitude
3. Kalafatis

«باورهای هنجاری»^۱ و یا «هنجارهای ذهنی»^۲ در این زمینه است. منظور از باورهای هنجاری، باورهای فرد در رابطه با انتظارات و رفتارهای دیگران است که تعیین کننده هنجارهای ذهنی فرد است (آیزن و همکاران، ۲۰۱۱). بر این پایه، باورهای هنجاری شامل شناسایی قابل قبول بودن یک رفتار خاص از نگاه دیگران است و می تواند در بردارنده دیدگاه فرد درباره میزان پذیرش رفتاری خاص در یک جامعه باشد (بروتوسکا^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). هنجارهای ذهنی هم مفهومی مستقل از نگرش فرد نسبت به رفتاری خاص است. از نظر فیشباين و آیزن (۲۰۱۰؛ ۲۰۱۳)، هنجارهای ذهنی عاملی تعیین کننده و مستقیم بر قصد انجام رفتار تلقی می گردند. این متغیر در پژوهش حاضر با ۵ گویه مندرج در بخش پنجم جدول ۳ با پاسخ های "کاملاً موافق" تا "کاملاً مخالف" سنجش شده است.

۶- متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای: متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای مورد بررسی در پژوهش حاضر عبارتند از: جنسیت، سن، سطح تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، زبان مادری، مذهب، محل تولد، تعداد فرزندان، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، و پایگاه اجتماعی- اقتصادی. این متغیرها و نحوه سنجش و مقوله بندی آنها در جدول ۲ نشان داده شده است. تنها توضیح لازم، مربوط به مفهوم پایگاه اجتماعی- اقتصادی است که به پایگاهی که فرد در میان گروه دارد، اشاره می کند. به بیان دیگر، موقعیتی که فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی های مادی و مشارکت در فعالیت های گروهی- اجتماعی به دست می آورد (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۹۴). در پژوهش حاضر، برای عملیاتی کردن این متغیر از مقیاس ذهنی به کار رفته در مطالعه نبوی و همکاران (۱۳۸۷) با تغییراتی جزئی استفاده شد. در این مقیاس از شش سؤال برای ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای و با مقیاس ترتیبی استفاده شده است. به عنوان مثال، سؤال شده است که "فکر می کنید مردم جامعه (چه باسواد، چه بی سواد) وضعیت تحصیلی شما را چگونه ارزیابی می کنند؟" یا "فکر می کنید مردم جامعه (چه شاغل، چه بیکار) وضعیت شغلی شما را چگونه ارزیابی می کنند؟" و

-
1. Normative Beliefs
 2. Subjective Norms
 3. Brutovská

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان

ابتدا به توصیف ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای پاسخگویان می‌پردازیم. توزیع پاسخگویان در این ویژگی‌ها در جدول ۲ آمده است. به لحاظ جنسیت، اغلب پاسخگویان (سرپرستان خانوار) مرد بوده‌اند که حدود ۸۳ درصد می‌باشد. میانگین سن پاسخگویان حدود ۳۷ سال بوده است؛ و ۴۲ درصد از پاسخگویان در رده ۳۷-۲۹ سال قرار داشته‌اند.

نسبت باسوادی و همچنین سطح تحصیلات در بین افراد نمونه بسیار بالا بوده، به طوری که حدود ۶۵ درصد آنها روی هم دارای تحصیلات دیپلم یا مدارک دانشگاهی بودند. طبق نتایج، خانوارهای ۲ تا ۴ نفره دارای بیشترین فراوانی بوده، به طوری که بیش از ۸۰ درصد در این دامنه، توزیع شده‌اند. در همین راستا، ۸۹/۳ درصد از پاسخگویان دارای همسر و ۱۰/۷ درصد بی‌همسر بر اثر فوت یا طلاق همسر بوده و نیز، ۵۷/۷ درصد از خانوارها دارای یک تا دو فرزند، ۲۳/۵ درصد دارای سه فرزند و بیشتر و حدود ۱۹ درصد بدون فرزند هستند. بر حسب زبان مادری و مذهب، نتایج نشان می‌دهد که زبان مادری بیش از ۹۷ درصد پاسخگویان کردی، و ۸۵/۵ درصد آنها اهل سنت بوده‌اند. همچنین، بیشتر از نیمی از پاسخگویان (حدود ۵۶/۵ درصد) متولد شهر و بقیه متولد روستا می‌باشند.

بر حسب وضعیت اشتغال، حدود ۱۱ درصد از افراد نمونه بیکار، حدود ۴۵ درصد آنان شاغل در بخش دولتی یا خصوصی و بقیه سایر وضعیت‌های شغلی را داشته یا غیرفعال اقتصادی بوده‌اند. در نهایت، بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانوار خود را متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان

متغیر	مقوله‌ها	فراوانی درصد	متغیر	مقوله‌ها	فراوانی درصد
جنسیت	زن	۶۳	محل تولد	شهری	۲۰۷
	مرد	۳۰۳		روستایی	۱۵۹
رده سنی	۲۰-۲۸ سال	۴۷	تعداد فرزند	بدون فرزند	۶۹
	۲۹-۳۷ سال	۱۵۴		۱ فرزند	۱۱۶
	۳۸-۴۶ سال	۹۸		۲ فرزند	۹۵
	۴۷-۵۵ سال	۴۶		۳ فرزند و بیشتر	۸۶
	۵۶ سال و بیشتر	۲۱			
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۱۲	وضعیت اشتغال	بیکار	۴۱
	زیر دیپلم	۱۱۷		خانه‌دار	۳۱
	دیپلم	۷۷		دارای درآمد بدون کار	۱۶
	فوق دیپلم	۳۴		بازنشسته	۱۵
	لیسانس	۸۵		شاغل دولتی / خصوصی	۱۶۴
	فوق لیسانس و بالاتر	۴۱		سایر	۹۹
تعداد اعضای خانوار	۱ نفر	۲	پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانوار	بسیار پایین	۴۵
	۲ نفر	۶۶		پایین	۱۳۲
	۳ نفر	۱۲۸		متوسط	۱۵۴
	۴ نفر	۱۰۱		بالا	۲۷
	۵ نفر و بیشتر	۶۹		بسیار بالا	۸
زبان مادری	کردی	۳۵۶	وضعیت تأهل	بی‌همسر	۳۹
	فارسی	۸		دارای همسر	۳۲۷
	ترکی	۲			
مذهب	سنی	۳۱۳			
	شیعه	۵۰			
	سایر	۳			

توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

در این بخش، ابتدا به توصیف و تحلیل متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته می‌شود. در جدول ۳، توزیع درصدی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویه‌های این متغیرها آمده است. در خصوص گویه‌های متغیر وابسته، یعنی تمایل به ثبت وقایع جمعیتی، نتایج نشان می‌دهد که در همه گویه‌ها اکثر پاسخگویان در جهت موافق توزیع شده‌اند. به عبارت دیگر، روی هم رفته، به طور متوسط، ۷۹ درصد از پاسخگویان با این گویه‌ها موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند که می‌تواند دلالت بر تمایل نسبتاً بالای مشارکت شهروندان در ثبت به موقع وقایع جمعیتی داشته باشد.

در بخش دوم جدول، توزیع درصدی نظر پاسخگویان در خصوص گویه‌های «درک از دسترسی آسان به مراکز و امکانات ثبت وقایع» آمده است. در گویه اول، ۴۸/۵ درصد از پاسخگویان در جهت «موافق» و ۲۹ درصد در مقوله «بینابین» توزیع شده‌اند. می‌توان گفت: از نظر آن‌ها، ثبت دقیق و به موقع وقایع جمعیتی کاری زمان‌بر است. در گویه‌های دوم و سوم، توزیع پاسخگویان در مقوله‌های «موافق» و «بینابین» قابل توجه است. می‌توان گفت که از دید پاسخگویان، امکانات و دسترسی به مراکز ثبت وقایع جمعیتی، در حد متوسط به بالا فراهم است. در گویه چهارم، ۳۱/۴ درصد از پاسخگویان در مقوله «بینابین»، و به ترتیب ۲۳/۸ و ۲۰/۸ درصد در مقوله‌های «موافق» و «مخالف» توزیع شده‌اند. می‌توان گفت از نظر آن‌ها، مشغله‌های کاری و شغلی می‌تواند مانعی برای ثبت دقیق و به موقع وقایع جمعیتی باشد. در گویه پنجم، ۴۱ درصد از پاسخگویان در جهت «موافق»، ۲۰/۲ درصد در مقوله «بینابین» و ۳۸/۸ درصد در جهت «مخالف» توزیع شده‌اند. پس می‌توان گفت که از نظر آن‌ها، هزینه ثبت آمارهای جمعیتی می‌تواند مانعی برای ثبت به موقع وقایع جمعیتی باشد.

به طور خلاصه، با توجه به نتایج فوق و در پاسخ به این سؤال پژوهش که «درک و نگرش پاسخگویان در خصوص دسترسی به مراکز و امکانات ثبت وقایع جمعیتی چگونه است؟»، می‌توان گفت که از دید آن‌ها، امکانات و دسترسی به مراکز ثبت دقیق و به موقع رویدادهای جمعیتی در حد متوسط و بالاتر فراهم است. با این وجود، موانعی مانند زمان‌بر بودن این امور، مشغله‌های کاری و شغلی مردم، و هزینه‌های ثبت از موارد و دغدغه‌های پاسخگویان به شمار می‌روند.

در بخش سوم جدول ۳، توزیع درصدی نظر پاسخگویان در خصوص گویه‌های «آگاهی از قوانین ثبت واقعه» آمده است. در گویه‌های اول، دوم، چهارم و ششم که جهت مثبت نیز دارند، یعنی عین قوانین موجود آمده‌اند، اکثریت پاسخگویان (روی هم رفته میانگین ۸۲/۵ درصد) در مقوله‌های «موافق و کاملاً موافق» توزیع شده‌اند. بر اساس نتایج این گویه‌ها، سطح آگاهی جامعه مورد مطالعه از قوانین ثبت وقایع جمعیتی متوسط و بالاتر ارزیابی می‌شود. اما در گویه‌های سوم و پنجم که عامدانه به صورت اشتباه پرسیده شده‌اند، غالب پاسخگویان مجدداً در مقوله‌های «موافق و کاملاً موافق» توزیع شده‌اند. لذا این مسأله می‌تواند ناشی از سطح آگاهی نسبتاً پایین جامعه نمونه در خصوص موعد دقیق قانونی ثبت وقایع ولادت و فوت، یا فراموشی نسبت به مهلت قانونی این وقایع، و یا ناشی از عدم دقت در پاسخگویی به سؤالات مذکور باشد. این نتایج ناشی از هر مسأله‌ای که باشد دلالت مهمی دارد و آن اینکه دست‌اندرکاران ثبت احوال بایستی به منظور رفع و پیشگیری از دیرثبتی یا کم‌ثبتی وقایعی چون ولادت و فوت، اطلاع‌رسانی در خصوص مهلت و موعد قانونی ثبت این رویدادها را تقویت کنند.

در مجموع، در پاسخ به این سؤال پژوهش که «سطح آگاهی پاسخگویان از قوانین ثبت وقایع جمعیتی به چه صورت است؟»، می‌توان نتیجه گرفت که سطح آگاهی جامعه مورد مطالعه در مورد قوانین ثبت رویدادهای جمعیتی نسبتاً بالا می‌باشد.

جدول ۳. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب پاسخ به گویه‌های متغیرهای پژوهش

توزیع پاسخ به گویه‌ها (%)					گویه‌ها	متغیر
کاملاً مخالف	بینابین مخالف	موافق	کاملاً موافق	کاملاً موافق		
۰/۰	۰/۰	۱۴/۵	۴۰/۷	۴۴/۸	<p>(۱) همیشه تلاش کرده‌ام که وقایع جمعیتی خود و اطرافیانم (مانند تولد، فوت، ازدواج و ...) به‌موقع و به‌طور دقیق ثبت شوند.</p> <p>(۲) از رفتار و همکاری خودم با مأموران سرشماری یا مأموران ثبت احوال در خصوص ارائه اطلاعات دقیق جمعیتی رضایت دارم.</p> <p>(۳) به‌عنوان یک شهروند، وظیفه خود می‌دانم که در خصوص ارائه اطلاعات دقیق و به‌موقع جمعیتی با مأموران سرشماری یا ثبت احوال همکاری نمایم.</p> <p>(۴) در خانواده ما تا کنون ثبت همه وقایع آماری مثل تولد، وفات، ازدواج و ... در زمان مقرر قانونی انجام شده است.</p> <p>(۵) اگر موانعی (مانند گرفتن هزینه و ...) وجود نداشته باشد، نسبت به ثبت دقیق یا ارائه به‌موقع اطلاعات جمعیتی در سریع‌ترین زمان ممکن اقدام می‌کنم.</p>	<p>تمایل به ثبت وقایع جمعیتی</p>
۰/۵	۱/۹	۱۱/۲	۵۲/۷	۳۳/۷		
۱/۴	۱/۶	۱۳/۶	۳۸/۰	۴۵/۴		
۲/۲	۶/۶	۱۵/۸	۳۵/۸	۳۹/۶		
۲/۵	۵/۲	۱۵/۳	۴۱/۳	۳۵/۷		
۶/۳	۱۶/۱	۲۹/۰	۳۲/۵	۱۶/۱	<p>(۱) فکر می‌کنم ثبت دقیق و به‌موقع وقایع و رویدادهای جمعیتی خود و اطرافیانم به زمان زیادی نیاز دارد.</p> <p>(۲) فکر می‌کنم امکانات ثبت و به‌موقع رویدادهای جمعیتی (مانند نیروی انسانی، دفاتر ثبت، و ...) به اندازه کافی فراهم است.</p> <p>(۳) دسترسی به مراکز ثبت اموری مانند تولد، وفات، ازدواج و ... برای من و دیگران آسان است.</p> <p>(۴) مشغله‌های کاری و شغلی خود را مانعی برای ثبت دقیق و به‌موقع وقایع جمعیتی خود و اطرافیانم تلقی می‌کنم.</p> <p>(۵) هزینه ثبت آمارهای جمعیتی مانند تولد، وفات، ازدواج و ... را به‌عنوان مانعی برای ثبت به‌موقع این امور می‌دانم.</p>	<p>به مراکز و امکانات ثبت درک از دسترسی آسان</p>
۴/۹	۱۸/۰	۲۷/۶	۴۲/۱	۷/۴		
۲/۵	۱۳/۷	۲۵/۳	۴۴/۳	۱۴/۲		
۷/۹	۲۰/۸	۳۱/۴	۲۳/۸	۱۶/۱		
۱۳/۹	۲۴/۹	۲۰/۲	۲۱/۳	۱۹/۷		
۰/۳	۳/۸	۴/۱	۳۶/۹	۵۴/۹	<p>(۱) ثبت تولد نوزادی که در بیمارستان یا یک مؤسسه بهداشتی به‌دنیا آمده است به گواهی ماما، پزشک یا بیمارستان نیاز دارد.</p> <p>(۲) اگر نوزادی در بیمارستان متولد نشود، برای ثبت تولد باید دو نفر گواهی دهند.</p> <p>(۳) مهلت قانونی اعلام ولادت، ۱۰ روز از تاریخ ولادت طفل است.</p> <p>(۴) ماما یا پزشکی که در حین ولادت حضور و در زایمان دخالت داشته است، مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه از آن به ثبت‌احوال محل در مهلت اعلام می‌باشد.</p> <p>(۵) مهلت قانونی اعلام وفات، ۱۵ روز از تاریخ وقوع یا وقوف بر آن است.</p>	<p>واقعه آگاهی از قوانین ثبت</p>
۰/۶	۱۰/۹	۱۵/۳	۳۷/۷	۳۵/۵		
۱/۴	۱۰/۴	۱۳/۱	۴۵/۹	۲۹/۲		
۰/۳	۴/۱	۱۵/۳	۳۶/۶	۴۳/۷		
۳/۶	۶/۸	۱۹/۱	۳۴/۴	۳۶/۱		

توزیع پاسخ به گویه‌ها (٪)					متغیر	گویه‌ها
کاملاً موافق	بینابین مخالف	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	کاملاً مخالف		
۰/۸	۱/۶	۱۲/۶	۳۶/۱	۴۸/۹	۶) دارندگان دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مکلف‌اند وقایع ازدواج و طلاق را که در دفاتر مربوط ثبت می‌کنند در شناسنامه زوجین نیز درج و امضاء و مهر نمایند و به ثبت‌احوال محل تحویل و رسید دریافت دارند.	
۳۷/۲	۳۵/۲	۱۲/۳	۸/۲	۷/۱	۱) به نظرم لزومی ندارد دولت در ثبت اموری مانند تولد، وفات، ازدواج و... دخالت کند.	
۵/۵	۹/۰	۱۱/۵	۴۲/۹	۳۱/۱	۲) کسانی که به ثبت دقیق و به‌موقع وقایع جمعیتی خود اقدام نمی‌کنند، شهروندانی مسئولیت‌پذیر نیستند.	
۴۴/۳	۳۰/۳	۱۳/۱	۸/۷	۳/۶	۳) ثبت دقیق آمارهای جمعیتی برای مردم فایده‌ای ندارد و فقط به نفع دولت است.	
۳۷/۷	۳۷/۷	۹/۳	۷/۹	۷/۴	۴) من فکر می‌کنم که ثبت دقیق و به‌موقع وقایع جمعیتی هیچ تأثیری در تغییر سرنوشت یا رفاه افراد جامعه ندارد.	
۷/۲	۵/۷	۱۶/۷	۳۵/۲	۴۰/۲	۵) من فکر می‌کنم که ثبت امور جمعیتی مانند تولد، وفات، ازدواج، طلاق و... برای برنامه‌ریزی و پیشرفت جامعه مفید است.	
۹/۳	۲۷/۹	۱۹/۷	۲۷/۳	۱۵/۸	۶) به نظرم جریمه ثبت احوال برای دیر ثبت کردن امور جمعیتی کار خوبی نیست.	
۳۷/۴	۳۴/۵	۱۴/۵	۵/۷	۷/۹	۷) دیر یا زود ثبت کردن امور جمعیتی مانند ولادت، وفات و... هیچ فرقی برای مردم جامعه و برنامه‌ریزی برای آینده ندارد.	
۱۲/۸	۳۳/۶	۳۳/۴	۱۰/۹	۹/۳	۸) ثبت دقیق و به‌موقع وقایع جمعیتی خود و اطرافیانم وقت و هزینه زیادی از من می‌گیرد.	
۱۲/۹	۲۲/۷	۴۲/۹	۱۶/۹	۴/۶	۱) مردم جامعه برای ثبت وفات در زمان مقرر قانونی اقدام نمی‌کنند.	
۰/۵	۴/۹	۲۵/۴	۵۶/۴	۱۲/۸	۲) اطرافیان و نزدیکان ما ثبت امور جمعیتی را در زمان مقرر قانونی انجام می‌دهند.	
۲/۷	۷/۷	۴۳/۲	۳۷/۷	۸/۷	۳) ثبت امور جمعیتی در کشور امری عادی است و مردم به‌موقع ثبت را انجام می‌دهند.	
۹/۸	۴۳/۴	۲۸/۲	۱۵/۶	۳/۰	۴) این روزها مردم تمایلی برای ثبت به‌موقع امور جمعیتی ندارند.	
۲۲/۱	۴۵/۳	۲۱/۳	۷/۷	۳/۶	۵) مردم جامعه برای ثبت ولادت در زمان مقرر قانونی اقدام نمی‌کنند.	

تکرار به ثبت واقعه

درک از هنجار ثبت

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بخش چهارم جدول ۳، توزیع درصدی نظر پاسخگویان در مورد گویه‌های «نگرش به ثبت واقعه» آمده است. در گویه‌های اول، سوم، چهارم و هفتم که جهت منفی دارند و انتظار می‌رود که پاسخگویان در طیف مخالف قرار گیرند، مشاهده می‌شود که غالب پاسخگویان (روی هم‌رفته متوسط ۷۳/۵ درصد) در مقوله‌های «مخالف و کاملاً مخالف» توزیع شده‌اند. به تعبیری برخلاف اصل گویه‌ها، آن‌ها موافق دخالت و نظارت دولت در امور ثبت وقایع جمعیتی هستند، ثبت دقیق آمارهای جمعیتی را برای مردم و برنامه‌ریزی برای آینده مفید می‌دانند، و ثبت دقیق و به‌موقع وقایع جمعیتی را در تغییر سرنوشت یا رفاه افراد جامعه مفید و مؤثر می‌دانند. در گویه‌های دوم و پنجم نیز که جهت مثبت دارند، غالب پاسخگویان در طیف موافق قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، ۷۴ درصد از پاسخگویان با این گویه که «کسانی که به ثبت دقیق و به‌موقع وقایع جمعیتی خود اقدام نمی‌کنند، شهروندانی مسئولیت‌پذیر نیستند»، موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند. یا حدود ۷۵/۵ درصد از افراد با این گویه که «من فکر می‌کنم که ثبت امور جمعیتی مانند تولد، وفات، ازدواج، طلاق، و... برای برنامه‌ریزی و پیشرفت جامعه مفید است»، اظهار موافقت کرده‌اند. در مجموع، و در پاسخ به این سؤال پژوهش که «نگرش پاسخگویان به ثبت وقایع جمعیتی به چه صورت است؟»، نتایج مؤید نگرش مثبت جامعه مورد مطالعه به ثبت دقیق و به‌موقع وقایع جمعیتی و اهمیت آن‌ها برای برنامه‌ریزی‌ها و اهداف توسعه‌ای می‌باشد. در خصوص نتایج گویه‌های ششم و هشتم هم باید گفت که درصد قابل توجهی از پاسخگویان در طیف «بینابین» یا «موافق» توزیع شده‌اند. این به آن معناست که اولاً پاسخگویان چندان موافق اجبار در ثبت امور جمعیتی با اعمال جریمه مردم از طرف دولت نیستند. ثانیاً نایستی برای ثبت دقیق و به‌موقع امور و رویدادهای جمعیتی هزینه زیادی بر مردم تحمیل شود.

در بخش پنجم جدول ۳، توزیع درصدی نظر پاسخگویان در مورد گویه‌های «درک از هنجار ثبت» آمده است. گویه‌های اول، چهارم و پنجم جهت منفی دارند و آن‌گونه که مشاهده می‌شود، روی هم‌رفته میانگین ۵۲ درصد از پاسخگویان در طیف مخالف توزیع شده‌اند. البته میانگین ۳۱ درصد نیز در طیف بینابین توزیع شده‌اند. به تعبیری دیگر، بیشتر افراد پاسخگو معتقدند که مردم جامعه برای ثبت وفات در زمان مقرر قانونی اقدام می‌کنند و برای این کار هم تمایل دارند. برعکس، در گویه‌های دوم و سوم، غالب پاسخگویان در طیف بینابین به طرف موافق توزیع شده‌اند. مثلاً، ۶۹ درصد پاسخگویان با این گویه که «اطرافیان و نزدیکان ما ثبت امور جمعیتی را

در زمان مقرر قانونی انجام می‌دهند»، موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند. به‌طور خلاصه، در پاسخ به این سؤال پژوهش که «درک پاسخگویان از هنجار ثبت وقایع جمعیتی چگونه است؟»، نتایج گویای آن است که جامعه نمونه، درک نسبتاً بالایی از هنجار ثبت وقایع و رویدادهای جمعیتی دارند.

نتایج تحلیل چندمتغیره

در این بخش از یافته‌ها، به تحلیل چندمتغیره پرداخته می‌شود. ابتدا با استفاده از تکنیک رگرسیون خطی چندگانه، تأثیر و نقش هر کدام از متغیرها و مجموع این متغیرها بر متغیر وابسته ارزیابی می‌شود، سپس برای آزمون مدل نظری پژوهش، از تحلیل مسیر بهره گرفته می‌شود. در واقع، هدف، پاسخ به این سؤال است که «نقش متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای در تمایل به ثبت وقایع جمعیتی به چه صورت است؟ و به چه میزان این موضوع را تبیین می‌کنند؟». لازم به ذکر است که شرط ورود متغیرهای کیفی (اسمی و ترتیبی) به تحلیل رگرسیون، تبدیل آن‌ها به متغیرهای تصنعی است. برای تصنعی کردن متغیرهای مقوله‌ای، هر یک از طبقات، یک متغیر به‌عنوان متغیر جداگانه با دو طبقه تعریف شده و به طبقه اول کد "۰" و به طبقه دوم کد "۱" تعلق گرفته است. این تغییر و تبدیل‌ها برای متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات، محل تولد، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، زبان مادری و مذهب انجام گرفته است. در متغیرهای یاد شده به ترتیب مقوله‌های مرد، سطح تحصیلات دانشگاهی، محل تولد شهر، غیرشاغل، بدون همسر، زبان مادری غیرکردی و مذهب شیعه به‌عنوان طبقه‌های مرجع مد نظر بوده‌اند.

جدول ۴، خروجی مدل رگرسیون چندگانه میزان تمایل به ثبت وقایع جمعیتی به‌روش هم‌زمان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای وارد شده در مدل متوسط است ($R=0.549$) و متغیرهای مستقل معنی‌دار در مدل توانسته‌اند حدود ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند ($\text{Adjusted R Square}=0.269$). به‌علاوه، در این جدول، ۸ متغیر از ۱۶ متغیری که در مدل معنی‌دار بوده‌اند، آمده است که حدود ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. این متغیرها به ترتیب اهمیت نقشی که دارند عبارت‌اند از: شاخص آگاهی از قوانین ثبت وقایع، شاخص پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تعداد فرزند خانوار، تعداد اعضای خانوار، متولد روستا بودن، شاخص نگرش به ثبت وقایع

جمعیتی، شاخص درک از هنجار ثبت، و جنسیت زن. همچنین، اثر تمامی متغیرها بر تمایل به مشارکت در ثبت وقایع جمعیتی، مثبت (مستقیم) است. به عبارت دیگر، آگاهی بیشتر در مورد قوانین ثبت وقایع جمعیتی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر، تعداد فرزند و تعداد اعضای بیشتر، متولد روستا بودن، نگرش مثبت تر به وقایع جمعیتی، درک بالاتر از هنجار ثبت و همچنین زن بودن، با نمره بالاتر و یا بهتر بگوییم، با میزان بالاتر تمایل به ثبت وقایع جمعیتی همراه است و برعکس.

جدول ۴. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه تمایل به ثبت وقایع جمعیتی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		معنی داری (Sig.)
	B	خطای معیار	Beta	مقدار t	
۱ (مقدار ثابت)	۲/۰۵۵	۱/۹۷۶	-	۱/۰۴۰	۰/۲۹۹
۱- آگاهی از قوانین ثبت	۰/۲۳۸	۰/۰۳۵	۰/۳۲۴	۶/۸۲۸	۰/۰۰۰
۶- نگرش به ثبت وقایع	۰/۰۸۸	۰/۰۳۰	۰/۱۴۶	۲/۸۷۹	۰/۰۰۴
۷- درک از هنجار ثبت	۰/۱۴۶	۰/۰۵۹	۰/۱۲۳	۲/۴۶۳	۰/۰۱۴
۸- زن بودن	۰/۸۵۳	۰/۳۹۲	۰/۱۱۷	۲/۱۷۸	۰/۰۳۰
۵- متولد روستا بودن	۰/۸۶۱	۰/۲۷۷	۰/۱۵۵	۳/۱۱۰	۰/۰۰۲
۳- تعداد فرزند	۰/۴۶۴	۰/۱۸۷	۰/۲۳۱	۲/۴۸۹	۰/۰۱۳
۴- تعداد اعضای خانوار	۰/۴۹۰	۰/۱۵۱	۰/۲۲۷	۳/۲۳۵	۰/۰۰۱
۲- پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۲۲۱	۰/۰۴۸	۰/۲۴۴	۴/۶۲۸	۰/۰۰۰

$$R = 0.549 \quad R \text{ Square} = 0.301 \quad \text{Adjusted } R \text{ Square} = 0.269 \quad F = 9.391 \quad \text{Sig.} = 0.001$$

در شکل ۲، مدل تجربی عوامل مؤثر بر تمایل به ثبت وقایع جمعیتی با استفاده از آزمون تحلیل مسیر نشان داده شده است. نتایج شکل زیر، در قالب تجزیه اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای اثرگذار بر متغیر وابسته، در جدول ۵ نیز آمده است. همان طور که مشاهده می شود، «آگاهی از قوانین ثبت» یکی از مهم ترین و قوی ترین متغیرهای اثرگذار بر تمایل به ثبت وقایع جمعیتی است و هر واحد تغییر در آن، به تنهایی و مستقیماً به اندازه ۰/۳۲۴ واحد در متغیر وابسته تغییر ایجاد می کند. متغیر «پایگاه اجتماعی - اقتصادی» در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد و به طور مستقیم هر واحد تغییر در آن با ۰/۲۴۴ واحد تغییر در متغیر وابسته همراه است. متغیر «تعداد فرزند» و «تعداد اعضای خانوار»، به ترتیب در مرتبه سوم و چهارم اهمیت قرار دارند و به طور

جدول ۵. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل و زمینه‌ای بر تمایل به ثبت وقایع جمعیتی

متغیرها	انواع تأثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
آگاهی از قوانین ثبت	۰/۳۲۴	-
نگرش به ثبت رویدادها	۰/۱۴۶	۰/۰۴۴
درک از هنجار ثبت	۰/۱۲۳	-
زن بودن	۰/۱۱۷	۰/۰۴۱
متولد روستا بودن	۰/۱۵۵	-۰/۰۳۸
ویژگی‌های پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۰/۲۴۴	-
جمعیتی تعداد اعضای خانوار	۰/۲۲۷	-
تعداد فرزند	۰/۲۳۱	-
کل		

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش از دستگاه‌های نظری رفتار برنامه‌ریزی‌شده و کنش منطقی منتج از نظریه پاداش و مبادله بهره گرفته شد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که در جامعه مورد مطالعه، در تمایل به ثبت وقایع جمعیتی، متغیرهایی چون سطح آگاهی از قوانین ثبت وقایع جمعیتی، چگونگی نگرش به ثبت وقایع جمعیتی و میزان درک از هنجار ثبت این گونه وقایع، تأثیر بسزایی دارند. به عبارت دیگر، پایین بودن آگاهی مردم از قوانین ثبت و درک نسبتاً ضعیف شهروندان از هنجارهای ثبت، همراه با نگرش کمتر مثبت آنان به این آمارها، مسأله تمایل و مشارکت پایین‌تر در ثبت وقایع جمعیتی را به دنبال دارد. نتایج فوق که پشتیبانی بخشی از گزاره‌های نظری رفتار برنامه‌ریزی‌شده را با خود یدک می‌کشند، با نتایج یافته‌های تجربی پورشهری (۱۳۹۲)، اصائلو (۱۳۹۱)، حسن‌لاریجانی (۱۳۹۰)، قندالی (۱۳۹۰)، حقانی (۱۳۸۵)، امیرخسروی (۱۳۸۰)، و پلوسکی و همکاران (۲۰۱۵) که تأکیدشان بر بستر فرهنگی و عدم آگاهی از قوانین، عدم آگاهی اعلام‌کنندگان از مهلت قانونی ثبت ولادت و فوت، عدم اطلاع و آگاهی از قوانین ثبت احوال، و عدم آگاهی از فرایند ثبت می‌باشد، همخوانی دارد. علاوه بر این، نتایج مطالعه نشان داد که مواردی مانند سهل‌انگاری و بی‌اهمیتی به موضوع ثبت وقایع و رویدادهای جمعیتی و عدم درک

تأثیر آنی این ثبت‌ها در زندگی شخصی و اجتماعی نزد برخی از شهروندان، دلیلی برای کاهش تمایل به مشارکت در ثبت به موقع وقایع جمعیتی است که مؤید بخش دیگری از گزاره‌های نظری تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده، یعنی پایین بودن درک از هنجارهای ثبت است. این یافته با نتایج مطالعه پورشهری (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

در کنار نتایج حاصل از پرسشنامه و در هنگام پرس‌وجو با مشارکت‌کنندگان، به‌ویژه آن‌دسته از شهروندانی که تجربه ثبت معوقه رویدادهای جمعیتی را داشته‌اند، موانع و مشکلات اداری همچون عدم ارائه توضیح کافی توسط مأموران ثبت به افراد و توجیه نکردن آن‌ها به لحاظ زمان ثبت و اهمیت آن، و همچنین دوری از مراکز ثبت احوال و یا تناقض‌های کاری و مشکلات شغلی برخی از شهروندان، از دیگر دلایل مهم تمایل نداشتن به ثبت وقایع جمعیتی بیان شده است. این موضوع، مبین گزاره دیگری از تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده، یعنی ضعف درک از دسترسی آسان به مراکز ثبت و امکانات ثبت وقایع است. این یافته‌ها هم با نتایج مطالعات فندالی (۱۳۹۰) و حقانی (۱۳۸۵) همسویی دارد.

طبق نتایج این پژوهش، متغیرهای دیگری همچون تعداد اعضای خانوار، محل تولد، جنسیت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانوار نیز بر تمایل به ثبت وقایع و رویدادهای جمعیتی اثرگذار هستند و این یافته‌ها با نتایج مطالعات اصائلو (۱۳۹۱)، امیرخسروی (۱۳۸۰)، پلوسکی و همکاران (۲۰۱۵) و امو-ادجی و انیم^۱ (۲۰۱۵) انطباق دارند. بر اساس این واقعیات، می‌توان مطابق با گزاره‌های نظری کنش منطقی استدلال کرد که خانوارهای پُرجمعیت‌تر و کسانی که محل تولدشان روستا بوده است، بیشتر به ثبت وقایع حیاتی اهمیت می‌دهند. گویی اینکه تمایل به ثبت به موقع این وقایع در میان خانوارهای تحت سرپرستی زن نیز بیشتر بوده است. به بیان دیگر، زنان بیشتر از مردان به ثبت‌های به موقع اهمیت می‌دهند. در توضیح و توجیه این موارد که به زعم ما با گزاره‌های نظری کنش منطقی نیز انطباق دارند، می‌توان به کسب منافع حاصل از ثبت وقایع همچون اقدام برای بهره‌مندی از یارانه، سهام عدالت، و یا ترس از دادگاه و جریمه در بین این زیرگروه‌های جمعیتی اشاره کرد. نکاتی که هم در گفته‌های آن‌ها و هم در مصاحبه‌های اولیه، از زبان کارشناسان ثبت احوال مورد اشاره قرار می‌گرفت. از طرف دیگر، خانوارهای دارای جایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر، بیش از سایرین به ثبت به موقع و دقیق این رویدادها اهمیت می‌دهند

که هم گویای عمل آن‌ها در یک چارچوب حساب‌شده‌تر و نیز احتمالاً آگاهی بیشتر آن‌ها در مورد اهمیت وقایع و دسترسی بیشتر آن‌ها به امکانات و نیز درک مثبت‌تر به ثبت این رویدادهاست.

به‌طور خلاصه و به‌عنوان نتیجه‌گیری، نتایج پژوهش حاضر، ضرورت کار فرهنگی و اطلاع‌رسانی دولت و سایر سازمان‌های دخیل به مردم در زمینه ثبت رویدادها و ارائه اطلاعات به‌موقع و دقیق، تلاش در جهت ارتقای درک شهروندان از هنجارهای ثبت، تلاش در جهت ارتقای درک شهروندان از دسترسی آسان به مراکز ثبت و امکانات ثبت و تلاش سازمان‌های دخیل به‌ویژه ثبت احوال در جهت افزایش مدارا با شهروندان از جهات اداری، فرهنگی و... را نشان می‌دهد. بر این اساس، پیشنهادهای سیاستی زیر جهت افزایش تمایل بیشتر شهروندان به مشارکت در ثبت به‌موقع رویدادهای جمعیتی و از آن‌سو کاهش مسأله دیرثبتی وقایع جمعیتی ارائه می‌گردد:

- به اذعان برخی از شهروندان، با توجه به زمان‌بر بودن امور مرتبط با ثبت‌های جمعیتی و نظر به مشغله‌های کاری و شغلی آن‌ها، توجه به این مسائل و انعطاف از طرف دولت و دست‌اندرکاران آمارهای جمعیتی در این زمینه‌ها لازم است.

- دولت و دست‌اندرکاران آمارهای جمعیتی، به‌ویژه سازمان ثبت احوال بایستی به اعمال جریمه و تحمیل هزینه‌های زیاد، به‌عنوان سازوکاری اجباری در ثبت امور جمعیتی واقعی نهند و به‌جای آن از شیوه‌های بدیل و ارزنده‌ای همچون آموزش و اطلاع‌رسانی بهره بگیرند.

- دولت و دست‌اندرکاران آمارهای جمعیتی، به‌ویژه سازمان ثبت احوال بایستی در خصوص امور مرتبط با ثبت و سایر اطلاعات شناسنامه‌ای و هویتی، تفاوت‌های زمینه‌ای و فرهنگی همچون بستر و ویژگی‌های متفاوت فرهنگی افراد و مراسم و رسومات سنتی را در نظر بگیرند و برای آن‌ها اهمیت قائل شوند. این امر احتمالاً نیازمند افزایش مهلت‌های ثبت وقایع در مناطقی است که کمتر به این موضوع اهمیت می‌دهند. به‌علاوه، ضروری است که دوری از مراکز ثبت احوال یا دسترسی ضعیف به آن و تفاوت‌های مکانی در دسترسی به مراکز ثبت مانند شهر و روستا در نظر گرفته شود و در جهت تخفیف این مشکلات اقدامات لازم صورت گیرد.

- دولت و سایر سازمان‌های دخیل، بایستی تلاش‌های بی‌شائبه‌ای در راستای افزایش درک شهروندان از دسترسی آسان به مراکز و امکانات ثبت، افزایش آگاهی از قوانین و درک هنجارهای

ثبت، همراه با نگرش مثبت به این آمارها به کار ببندند.

- دولت و سایر سازمان‌های دخیل بایستی در راستای افزایش آگاهی اقشار مختلف مردم به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیرتر مانند سرپرستان خانوار بیکار و فاقد درآمد یا دارای درآمد اندک، بی‌سواد یا دارای سطح تحصیلات پایین، خانوارهای منتسب به جایگاه پایین اجتماعی-اقتصادی و... نسبت به اهمیت ثبت‌های به‌موقع و بازخورد آن برای اهداف توسعه و برنامه‌ریزی و همچنین پیامدهای مثبت آن در زندگی شخصی مردم، گام‌هایی اساسی بردارند.

- دولت و مراکز ثبت آمارهای جمعیتی بایستی به پُررنگ‌کردن اهمیت و نقش نهادهایی چون دهیاری و بهداری در روستاها در خصوص اطلاع‌رسانی و توجیه مردم برای انجام به‌موقع امور ثبت و مشارکت در سایر آمارگیری‌های جمعیتی اقدام کنند.

- دولت و مراکز ثبت آمارهای جمعیتی لازم است به ارائه اطلاع‌رسانی‌های لازم از طریق رسانه‌هایی مانند صداوسیما، روزنامه‌ها و اینترنت، منابع مختلف مانند مساجد، مدارس، دهیاری‌ها، جلسات اولیاء و مربیان و باجه‌های خدماتی بپردازند. همچنین، ضروری است که تمرکز این اطلاع‌رسانی‌ها بیشتر بر روی سرپرستان خانوار باشد.

منابع

اداره کل ثبت احوال استان کردستان (۱۳۹۷). سالنامه آمارهای جمعیتی سال‌های ۱۳۹۷، در: <http://www.krnocr.ir/documents/statistics/salname%20amari%201397.pdf>.

اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و همکاران، چاپ اول، تهران: نشر تابان.

اصانلو، فرخ (۱۳۹۱). بررسی علل دیر ثبتی وقایع ولادت و وفات و آسیب‌شناسی آن، طرح پژوهشی، اداره کل ثبت احوال استان زنجان.

امیرخسروی، ارژنگ (۱۳۸۰). علل کم‌ثبتی و دیر ثبتی، تهران: انتشارات سازمان ثبت احوال کشور.

پرویش، تکتم و محمدرضا محسنی (۱۳۹۰). بررسی منابع آمارهای جمعیتی با تأکید بر داده‌های ثبتی، مقاله ارائه شده در همایش تحلیل روندهای جمعیتی کشور، تهران، ۲۹ و ۳۰ آذر.

پورشهری، رضا (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی دیر ثبتی وقایع حیاتی، مجموعه مقالات پژوهش در ثبت، جلد ۱، سال ۱، صص ۱-۱۱.

۶۱ بررسی عوامل برانگیزنده تمایل به ثبت وقایع جمعیتی در استان کردستان

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر سمت.

حسن‌لاریجانی، مژگان (۱۳۹۰). شناخت عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر در دیرثبتی ولادت و فوت با تأخیر بیش از یکسال در شهرستان نیشابور (سه ماهه اول سال ۸۸)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

حقانی، حمید (۱۳۸۵). بررسی تأثیر عوامل درون و برون سازمانی بر وضعیت ثبت وقایع حیاتی و با تأکید بر آمارهای ولادت و فوت، تهران: انتشارات سازمان ثبت احوال کشور.

خانی، سعید، قربان حسینی، خالد حدودی، ساغر عباسی، و شقایق بیننده (۱۳۹۷). واکاوی علل و انگیزه‌های دیرثبتی و کم‌ثبتی آمارهای جمعیتی در استان کردستان، گزارش طرح تحقیقاتی، اداره کل ثبت احوال استان کردستان.

دال، رابرت (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، چاپ اول، تهران: نشر حسین ظفریان.

روشه، گی (۱۳۷۴). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ سوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

ریتزر، جورج (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ششم، تهران: نشر علمی.

زنجانی، حبیب‌الله، طه نوراللهی، سیدمجید نبوی، زهرا فاضل، مرجان عزیززاده، حمید شجاعی، مریم کشاورز، علیرضا ساجدی، و منیژه امیرخسروی (۱۳۹۲). طرح ارزیابی نظام ثبت اطلاعات وقایع حیاتی (ولادت، فوت و مهاجرت‌های داخلی) مکان‌محور، گزارش طرح تحقیقاتی، سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی.

سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی (۱۳۷۲). نکاتی چند درباره ثبت موالید سازمان ثبت احوال کشور؛ میزان‌های زاد و ولد سالانه و روند رشد جمعیت، در:

[http://population.persiangig.com/document/Conferences/CPT%201390/Death%20Registration%20in%20Karaj%20District%20\(1385\).pdf](http://population.persiangig.com/document/Conferences/CPT%201390/Death%20Registration%20in%20Karaj%20District%20(1385).pdf).

سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۷). سالنامه آمارهای جمعیتی سال‌های ۱۳۹۷ در:

<https://www.sabteahval.ir/avej/Page.aspx?mId=49823&ID=3199&Page=Magazines/SquareshowMagazine>.

سرینی واسان، کی (۱۳۸۴). فنون اساسی تحلیل و کاربرد جمعیت‌شناسی، ترجمه محمد امین کنعانی، چاپ اول، مازندران: انتشارات دانشگاه مازندران.

عینی‌زیناب، حسن، فریده شمس‌قهرخی، علیرضا ساجدی، اردشیر خسروی، علیرضا زاهدیان، زهرا رضائی‌قهرودی، و طه نوراللهی (۱۳۹۴). مدل‌سازی و پیش‌بینی مرگ‌ومیر در ایران ۱۴۲۰-۱۳۷۵، *مجله تحقیقات نظام سلامت حکیم*، دوره ۱۸، شماره ۴، پیاپی ۷۱، صص ۳۴۶-۳۳۶.

قندالی، آزاده (۱۳۹۰). بررسی علل و عوامل اجتماعی مؤثر در دیرثیتی ولادت و وفات در شهرستان گرمسار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۴). مبانی جمعیت‌شناسی، چاپ دوم، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

کوششی، مجید و محمد ترکاشوند مرادآبادی (۱۳۹۶). بررسی انطباق الگوی سنی مرگ‌ومیر در ایران با جداول عمر مدل، *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۶۳-۳۹.

کوئن، بروس (۱۳۸۶). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات سمت.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سنندج، ۱۳۹۵.

میرزایی، محمد (۱۳۸۱). گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

میریان، علی و عزت‌الله رحمدل (۱۳۸۶). رتبه‌بندی عوامل تأخیر در ثبت ولادت و فوت و عوامل عدم ثبت فوت، تهران: انتشارات سازمان ثبت احوال کشور.

نبوی، سیدعبدالحسین، علی‌حسین حسین‌زاده، و هاجر حسینی (۱۳۸۷). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، *فصلنامه دانش‌انظامی*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۳۶-۹.

وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر آمارهای ثبتی، گروه آمار، دفتر آمار و اطلاع‌رسانی.

یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی، پایان‌نامه دوره دکتری دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

Ajzen, I. (2005). *Attitudes, Personality, and Behavior* (2nd Edition). Milton Keynes:

Open University Press McGraw-Hill Educatin.

- Ajzen, I. (2010). *Attitudes, Personality, and Behavior* (2nd, Ed), New Delhi, India: Tata McGraw-Hill.
- Ajzen, I. (2012). The Theory of Planned Behavior. In P. A. M. Lange, A. W. Kruglanski & E. T. Higgins (Eds.), *Handbook of Theories of Social Psychology*, 1 (2), 438-459, London, UK: Sage.
- Ajzen, I. (2013). Theory of Planned Behavior Questionnaire, Measurement Instrument Database for the Social Science, Retrieved from www.midss.ie.
- Ajzen, I., Joyce, N., Sheikh, S., & N. G. Cote (2011). Knowledge and the Prediction of Behavior: The Role of Information Accuracy in the Theory of Planned Behavior, *Basic and Applied Social Psychology*, 33(2), 101-117.
- Amo-Adjei, J., & S. K. Annim (2015). Socioeconomic Determinants of Birth Registration in Ghana, *BMC International Health and Human Rights*, 15(1), 2-9.
- Bell, N. M. (2013). Motivation to Run: Using Fishbein & Ajzen's Theory of Reasoned Action to Predict Participation in 5K Races, (Doctoral Dissertation, Indiana University of Pennsylvania).
- Brutovská, M., Orosová, O., & O. Kalina (2014). Gender, Normative Beliefs and Alcohol Consumption among University Students, *Psychology Applications & Developments Advances in Psychology and Psychological Trends Series Edited by: Clara Pracana*, 67.
- Kalafatis, S. P., Pollard, M., East, R., & M. H. Tsogas (1999). Green Marketing and Ajzen's Theory of Planned Behavior: A Cross-Market Examination, *Journal of Consumer Marketing*, 16 (5), 441-460.
- Makinde, O. A., Olapeju, B., Ogbuoji, O. & S. Babalola (2016). Trends in the Completeness of Birth Registration in Nigeria: 2002–2010, *Demographic Research*. 35(12):315-338.
- Pelowski, M., Wamai, R. G., Wangombe, J., Nyakundi, H., Oduwo, G. O., Ngugi, B. K & J. G. Ogembo (2015). Why don't You Register Your Child? A Study of Attitudes and Factors Affecting Birth Registration in Kenya, and Policy Suggestions, *the Journal of Development Studies*, 51(7), 881-904.
- Tobin, E. A., Obi, A. & E. C. Isah (2013). Status of Birth and Death Registration and Associated Factors in the South-South Region of Nigeria, *Annals of Nigerian Medicine*, 7(1), 1-7.